

9th International Conference on Legal and Judicial Studies



واکاوی جایگاه نافرمانی مدنی در نظام حقوقی ایران

Investigating the status of civil disobedience in the Iranian legal system

عاتکه قاسم زاده

دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

الهام صادقی راد

استادیار گروه حقوق دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

چکیده

نافرمانی مدنی اصطلاحی است که در سال‌های اخیر در کشورهای مختلف به جهت اعتراض به قانون ناعادلانه به منظور دستیابی به سطح مطلوبتری از عدالت رواج یافته است. به طوری که حتی در ایران نیز مقالاتی در این زمینه مورد تألیف قرار گرفته و با استفاده از مبانی فقهی و اصرار بر ضرورت آن، بر قانونی جلوه دادن آن تلاش شده است. در مقاله حاضر به شیوه‌ی توصیفی-تحلیلی، به دنبال تعیین جایگاه حقوقی و شرعی نافرمانی مدنی بلکه مفهومی گسترده‌تر از آن یعنی مخالفت با حکومت و نسبت آن با جرایم سیاسی و جرایم علیه امنیت هستیم. طبق بررسی‌های انجام شده، مخالفت با حکومت در فقه امامیه در قالب امر به معروف و نهی از منکر مدنظر قرار گرفته است. نظام حقوقی ایران نیز هم در بخش سیاست‌گذاری مثل قانون اساسی و هم در قانون‌گذاری مثل قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر، اعتراض و مخالفت مسالمت آمیز را به عنوان یک حق قانونی تلقی می‌نماید، به طوری که دیگر جایگاهی برای نافرمانی مدنی مصطلح باقی نمی‌ماند. البته لازم به ذکر است که ضعف‌ها و نقص‌های قانونی و اجرایی موجود در این زمینه موجب متروک ماندن قوانین مذکور در جامعه گردیده که باید مورد توجه قرار گیرد.

واژگان کلیدی: مخالفت با حکومت، نافرمانی مدنی، جرم سیاسی، بغی، نظام حقوقی ایران

9th International Conference on Legal and Judicial Studies



مقدمه

قانون گذاری در زمینه بگی، محاربه و افساد فی الارض شاید منجر به بروز این تصور در خصوص سیاست جنایی اسلام -و به تبع نظام حقوقی ایران- گردد که این مدل خاص از سیاست جنایی درخصوص هرگونه اعتراض به خط مشی ها، سیاست گذاری ها، نحوه عملکرد حکومت از تقنین گرفته تا اجرا حالتی سرکوبگر و غیرقابل نقد را در پیش گرفته است. برای بررسی این مسأله ابتدا باید به مقدماتی پرداخته شود که در ذیل آمده است.

در برخی موارد قدرت و آزادی می تواند در تقابل با یکدیگر قرار بگیرند. برخی از حکومت ها با استفاده از قانون در پی اعمال روزافزون سلطه خویش بر مردم هستند و ممکن است در این راستا قوانین ناعادلانه ای را نیز وضع نمایند، از سوی دیگر مردم نیز به دنبال گسترش آزادی های خود بوده و حتی ممکن است در برخی موارد در مقابل قوانین عادلانه هم تمکین نکنند. در این مقام بحث بر سر افراد قانون شکنی که در هر صورت چه قانون عادلانه باشد چه نباشد- به مقابله با قانون برمی خیزند، نیست و همچنین مراد از حکومت، حکومت ظالمی که برای افزایش سلطه به دنبال تصویب قوانین ناعادلانه است، نمی باشد. بلکه مراد حکومتی است که به دنبال گسترش عدل و قسط است و ممکن است در برخی موارد به علل مختلف قانون نادرستی را وضع نماید و مراد از مردم نیز مردمی است که در مواجهه با قوانین رفتار صحیحی از خود نشان می دهند اما در این میان با قانون ناعادلانه یا نامشروعی به مخالفت برخاسته اند. لذا از طریق روش های مختلف نظیر اعتصاب، تحصن، راهپیمایی و غیره مخالفت خود را اعلام می کنند و به دنبال آزادی های مشروع خویش هستند. این در حالی که بی تردید ایجاد نظم در جامعه مستلزم رعایت قانون است. بنابراین برای اعلام مخالفت های مشروع نیز باید سازوکارهای ویژه ای تعیین گردد تا این مورد با امور دیگری همچون بگی، محاربه یا افساد مشتبه نشود که در این میان برخی به نافرمانی مدنی به عنوان یک سازوکار اعلام مخالفت مردمی اشاره داشته اند.

اصطلاح نافرمانی مدنی نخستین بار توسط هنری دیوید ثرو در سال ۱۸۴۹ میلادی مطرح شد. ثرو، نافرمانی مدنی را به عنوان راهبردی برای مقابله با قدرت سیاسی، قوانین و رفتارهای ناعادلانه دولت مطرح نموده است (جهانگلو، ۱۳۷۸: ۱۳). در ایران نیز اگر چه این اصطلاح سال ها پیش در فرهنگ نامه های سیاسی وجود داشته اما از سال ۱۳۷۹ به بعد در ادبیات سیاسی متداول شد. با این وجود اصطلاح نافرمانی مدنی همچنان مفهومی بیگانه است که دیدی منفی در مورد آن وجود دارد چنان که برخی از آن معنای شورش و تغییر نظام را برداشت نموده اند حال آنکه نافرمانی مدنی راهبردی دور از خشونت با هدف اصلاح قانون یا سیاست است (تقی پور، متقی، ۱۳۹۷: ۲۵۹). تشابه عناوین مجرمانه ای چون بگی، محاربه و افساد فی الارض با نافرمانی مدنی که در برخی موارد حق و تکلیف شهروندی محسوب می شود ممکن است موجب اشتباه در صدور حکم و تضییع حق دولت یا مردم شود (ورعی، ۱۳۹۴: ۱۳۲-۱۳۱). بر این اساس، در این مقاله سعی شده تا اصطلاحات قدیمی چون بگی، محاربه و افساد فی الارض که از مفاهیم فقهی حقوقی محسوب می شود با عنوان نوینی چون نافرمانی مدنی که اصطلاح مشترکی میان علوم سیاسی و حقوق به شمار می آید و در فقه شیعه مصادیقی دارد بررسی شود. اما قبل از آن ابتدا باید به مفهوم نافرمانی مدنی پرداخت.

۱. تعریف نافرمانی مدنی

نافرمانی مدنی اصطلاحی است که تا کنون تعاریف متعددی از آن ارائه شده که در ادامه به برخی از آن ها اشاره شده است: اصطلاح نافرمانی مدنی از نظر لغوی مرکب از دو واژه «نافرمانی» و «مدنی» است که به معنای «سرپیچی از دستورات و اطاعت نکردن از فرامین» است. واژه «نافرمانی» در تضاد با واژه های «اطاعت» و «فرمانبرداری» قرار دارد که یکی از مفاهیم پرکاربرد در مناسبات قدرت محسوب می شود و واژه «مدنی» به معنای «شهروندی» است (محبی، ۱۳۸۱: ۴۹). از دیدگاه ثرو نخستین مطرح کننده این اصطلاح «نافرمانی مدنی، اقدامی است مسالمت آمیز که شهروندان در راستای سرپیچی علنی و اعلام شده از قانونی معین و در جهت رسیدن به هنجارهایی متعالی و مشروع صورت می دهند» (ثرو، ۱۳۷۸، ۹). این

9th International Conference on Legal and Judicial Studies



اصطلاح در فرهنگ‌های علوم سیاسی به معانی ذیل آمده است: «اقدامی است که شهروندی با اتکاء به ابزار مسالمت آمیز در راستای سرپیچی علنی و اعلام شده از فرامین که به نام هنجار و یا آموزه‌های مافوق صادر شده، ولی به نظر نامشروع می‌آید، در مقابل قانون، حکم، یا فرمانی مقتدرانه صورت می‌دهد» (علی بابایی، ۱۳۶۹: ۹۱)؛ «هر اقدام قانون‌شکنانه‌ی آشکار و عمدی که با هدف جلب توجه همگان به نامشروع بودن برخی قوانین یا نادرستی آنها از جنبه‌ی اخلاقی و عقلانی، صورت گیرد» (آقابخشی، افشاری راد، ۱۳۸۳: ۹۹)؛ «حرکتی عمومی، بدون خشونت، وظیفه‌شناسانه و در عین حال سیاسی در مقابل قانون که معمولاً با هدف وارد کردن تغییری در قانون یا اصول حکومتی انجام می‌شود» (کرزون، ۱۳۸۷: ۱۰۰)؛ «اقدامی سیاسی است که در آن از اقتدار حکومتی به نشانه اعتراض اخلاقی، سرپیچی می‌شود» (مکلین، ۱۳۸۱: ۵۶۳).

هابرماس فیلسوف آلمانی نافرمانی مدنی را اینگونه تعریف نموده است: «نافرمانی مدنی، اعتراضی از نظر اخلاقی مشروع است که در آن نه فقط باورها و اعتقادات و علایق شخصی، بلکه همچنین منافع جمعی و عمومی مدنظر است. نافرمانی مدنی به عمد یکی از هنجارهای حقوقی را نقض می‌کند بدون آنکه فرمانبری و اطاعت از کل نظم حقوقی را مورد تردید قرار دهد. نافرمانی مدنی آماده پذیرش پیامدهای خدشه‌دار کردن هنجار حقوقی می‌باشد و نقض قانون را اقدامی نمادین می‌فهمد. مسالمت‌آمیز بودن ابزار اعتراض در نافرمانی مدنی، ناشی از همین واقعیت است» (هابرماس، ۱۳۸۰: ۳۵).

از نظر دورکین «نافرمانی مدنی با اعمال مجرمانه عادی که با انگیزه‌های خودخواهانه یا ناشی از عصبانیت یا ظلم یا جنون انجام می‌گیرند، بسیار متفاوت است. همچنین، با جنگ داخلی که طی آن یک گروه مشروعیت حکومت یا جوهری از جامعه‌ی سیاسی را زیر سؤال می‌برد، فرق دارد. نافرمانی مدنی در خصوص کسانی صدق پیدا می‌کند که اقتدار سیاسی را آنچنان بنیادین به مبارزه نمی‌طلبند. آنان نه برای خود و نه برای دیگران وظیفه‌ی پی‌جویی یک گسست یا تغییر قانون اساسی را قائل نیستند. آنان مشروعیت بنیادین حکومت و جامعه را پذیرفته‌اند و نمی‌خواهند وظیفه‌ی شهروندی خود را کنار بگذارند بلکه به دنبال انجام درست آن هستند» (دورکین، ۱۳۸۷: ۱۲۴).

جان رالز اندیشمند آمریکایی معتقد است: «نافرمانی مدنی، خود را در کنشی علنی، مسالمت آمیز و وجدانی، اما مغایر قانون و معمولاً با هدف تغییر قوانین و یا تغییر سیاست حکومت متجلی می‌سازد» (رالز، ۱۳۸۷: ۴۰۱).

بووای و سیمون نیز برای نافرمانی مدنی خصایصی برشمرده‌اند که عبارتند از عمومی بودن، عدم خشونت، تسلیم بودن در برابر مجازات و مرتبط بودن یا عینیت داشتن با قانون نقض شده توسط معترضین. علاوه بر این، به هیچ وجه نقض سه ویژگی نخست در نافرمانی مدنی توجیه پذیر نمی‌باشد (بووای، سیمون، ۱۳۷۹: ۱۷۲).

با توجه به تعاریف فوق، نافرمانی مدنی برخلاف جرائم امنیتی موجب اختلال در نظام اجتماعی نمی‌شود بلکه با استفاده از شیوه‌های مسالمت‌آمیز به دنبال انجام درست برخی قوانین یا تصحیح سیاست‌ها یا قوانین ناعادلانه به نفع عموم شهروندان که با کمک خود افراد جامعه به صورت علنی و اعلام شده است.

۲. انواع نافرمانی مدنی

از نظر اندیشمندان، نافرمانی مدنی به شیوه‌های گوناگون قابل تفکیک است که در ادامه به چند مورد از این مقوله‌بندی‌ها اشاره می‌شود. از نظر دورکین نافرمانی مدنی از لحاظ انگیزه و باور مرتکبین آن به سه قسم نافرمانی مدنی درست بنیاد، نافرمانی مدنی عدالت بنیاد و نافرمانی مدنی سیاست بنیاد قابل تفکیک است. در نافرمانی مدنی مبتنی بر درستی در برخی موارد قانون امری را مطالبه نموده که خلاف وجدان و اخلاق محسوب می‌شود. از این رو، شخص از پذیرفتن آن سرپیچی می‌نماید. همچنین، در نافرمانی مدنی مبتنی بر عدالت، در پاره‌ای از موارد، قانون امری عادلانه را نقض می‌نماید. در این صورت، اشخاص باید برای تغییر قوانین ناعادلانه مورد نظرشان راه‌های قانونی را طی نمایند. قسم آخر از نافرمانی مدنی مبتنی بر انگیزه، سیاست بنیاد است. در نافرمانی مدنی مبتنی بر سیاست هرگاه از نظر معترضین سیاستی غیر معقول و غیر منطقی به نظر برسد، برای تغییر آن اقدام می‌نمایند البته در این مورد نیز همانند مورد قبل افراد معترض باید از راه‌های قانونی استفاده نمایند (دورکین، ۱۳۸۷: ۱۳۲، ۱۳۵). با توجه به اینکه در آموزه‌های اسلامی مبنای عدالت، حق و درستی است. به نظر می‌رسد

9th International Conference on Legal and Judicial Studies



تفکیک نمودن انگیزه نافرمانی به درست بنیاد و عدالت بنیاد برای مردم ایران صحیح نیست چرا که در واقع هر دو به نحوی یک قسم محسوب می‌شوند.

تقسیم دیگر نافرمانی مدنی براساس شکل آن به دو دسته است: نافرمانی مدنی سنتی و نافرمانی مدنی مدرن. در نافرمانی مدنی سنتی معترضین مخالفت خود را با اعتراض، اعتصاب، تظاهرات، عدم همکاری به صورت استعفا یا جمعی، تحصن، سکوت توأم با اعتراض، تحریم انتخابات، صفر نمودن حساب بانکی، غیررسمی نمودن جلسات (قاسمی، ۱۳۸۹، ۲۹-۲۳)، عدم استقبال از مسئولان، تحریم کالاهای به خصوص، عدم قبول مشاغل اداری (نظریور، ۱۳۸۶: ۱۵۰-۱۴۸) و غیره تحقق می‌بخشد. در نافرمانی مدنی مدرن نیز نافرمانی به دو شیوه نافرمانی الکترونیکی و فرهنگی هنری ادبی محقق می‌شود. چنان که در نافرمانی‌های الکترونیکی، نافرمانان با استفاده از فناوری‌های جدید ارتباطی نظیر تلفن همراه و اینترنت در پی تحقق خواسته‌های خود هستند. شکل‌گیری این شیوه اطلاع‌رسانی نقش به سزایی در موفقیت یک نافرمان مدنی دارد. در نافرمانی مدنی فرهنگی هنری ادبی که در قالب نوشته، نقاشی، طنز، فیلم و کاریکاتور بروز پیدا می‌کند و میزان موفقیت نافرمانان مدنی در این قسم به میزان جلب توجه آنان و همراه نمودن دیگران با نویسندگان یا هنرمندان بستگی دارد (قاسمی، ۱۳۸۹، ۲۹-۲۳).

۳. نافرمانی مدنی یا اعلام مخالفت مشروع در فقه امامیه

برخی بر این عقیده هستند که اصطلاح نافرمانی مدنی به طور صریح در فقه اسلامی شیعه ملاحظه نمی‌شود. با این وجود، می‌توان با استفاده از تشابه و اختلاف مفاهیم و تحلیل مفهومی آن، مفاهیم مورد نظر را در این زمینه تبیین نمود (قاری سیدفاطمی، ۱۳۸۷: ۲۹۶-۲۹۱). اما به نظر می‌رسد که در فقه امامیه راهکارهایی برای اعلام مخالفت‌های مشروع ارائه شده است و دیگر برای اعتراض‌های قانونی نوبت به نافرمانی و قانون‌شکنی نمی‌رسد مگر آن‌که سازوکارهای موجود از طرف حاکمیت در جایگاه خود قرار نگیرند و یا از طرف مردم به طور صحیح اعمال نشوند. اما پیش از هر مطلبی باید به بررسی ادله جواز مخالفت مشروع با حکومت در فقه امامیه پرداخت که در ضمن آن راهکارهای موجود نیز روشن می‌گردد.

۴. ادله جواز مخالفت مشروع با حکومت در فقه امامیه

با توجه به مطالبی که گذشت در ذیل به ادله‌ای که بر مخالفت با حکومت و اعتراض مشروع دلالت دارد، پرداخته خواهد شد، زیرا به نظر می‌رسد برای اثبات نافرمانی مدنی قبل از هر چیزی باید جواز مخالفت با حکومت و راهکارهای موجود قبل از مرحله نافرمانی مدنی مورد بررسی قرار گیرد چرا که ممکن است در فقه امامیه و حقوق ایران راهکارهای دیگری برای اعلام مخالفت و اعتراض وجود داشته باشد و نوبت به نافرمانی مدنی نرسد مگر در موارد خاص.

۴.۱. نصیحت نسبت به پیشوایان مسلمین

در فقه امامیه اطاعت مطلق از حاکم منوط به مطابقت حکم حاکم با حق و شرع است در غیر این صورت مردم وظیفه دارند نسبت به حاکم خیرخواهی نموده و او را نصیحت نمایند. چنان که پیامبر اکرم (ص) در این زمینه فرموده‌اند: «سه خصلت است که دل هیچ فرد مسلمانی نسبت به آن خیانت نمی‌ورزد: ۱. خالص نمودن عمل برای خدا، ۲. خیرخواهی پیشوایان مسلمین، ۳. همراه بودن با جماعت مسلمین» (کلینی ۱۴۰۷، ج ۱: ۴۰۳؛ مجلسی دوم ۱۴۱۰، ج ۹۷: ۴۶). همچنین، امام علی (ع) نیز در این زمینه فرموده‌اند: «...ما با خیرخواهی خالی از هرگونه خیانت و سالم از هرگونه شک و تردید، یاری کنید» (نهج البلاغه: ۱۳۷). بنابراین بر مردم است که در صورت انحراف حاکمیت از مسیر اسلام و حق از نصیحت و خیرخواهی دریغ ننمایند.

۴.۲. امر به معروف و نهی از منکر

یکی از مهمترین ادله‌ای که برای جواز مخالفت مشروع با حکومت می‌توان به آن استناد نمود ادله وجوب امر به معروف و نهی از منکر است، اما بسیاری از نویسندگان از آن به عنوان مصداقی از مصادیق نافرمانی مدنی سخن به میان آورده‌اند و از ادله آن برای اثبات نافرمانی مدنی استفاده نموده‌اند که بنابر دلایلی که ذکر خواهد شد استدلال ایشان مخدوش و قابل پذیرش نمی‌باشد. همچنان‌که در آیات و روایات آمده است امر به معروف و نهی از منکر از واجبات است. چنان‌چه امر به

9th International Conference on Legal and Judicial Studies



معروف و نهی از منکر مصداق نافرمانی مدنی باشد بنا بر ادله مذکور باید در رابطه با نافرمانی مدنی نیز به وجوب نافرمانی مدنی حکم نمود در حالی که هیچ یک از نویسندگان مذکور به این نتیجه قائل نشده‌اند.

از جمله ادله وجوب امر به معروف و نهی از منکر عبارتند از:

- «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (توبه: ۷۱).
- «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (آل عمران: ۱۰۴)

- «فَرَضَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ... الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ مَصْلَحَةً لِلْعَوَامِّ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ رَدْعاً لِلْسُّفَهَاءِ» (تمیمی، ۱۳۶۶: ۱۷۶).
- «وَأَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ تَكُنْ مِنْ أَهْلِهِ وَانْكِرِ الْمُنْكَرَ بِيَدِكَ وَلِسَانِكَ وَبِأَيْنَ مَنْ فَعَلَهُ بِجَهْدِكَ» (تمیمی، ۱۳۶۶: ۳۳۲).
- «كُنْ بِالْمَعْرُوفِ آمِراً وَ عَنِ الْمُنْكَرِ نَاهِياً» (تمیمی، ۱۳۶۶: ۳۳۲).

با تدقیق در آیات و روایاتی که در بالا ذکر گردید محرز می‌گردد که مخاطب ادله امر به معروف و نهی از منکر عام بوده و شامل همه افراد می‌شود به این معنا که چنان که فردی معروفی را ترک نماید و یا اگر منکری را مرتکب شود امر به معروف و نهی از منکر نسبت به او واجب است و فرقی ندارد که این فرد از چه جایگاهی در جامعه برخوردار باشد خواه فرد عادی باشد خواه یکی از افراد حکومت یا حتی رهبر جامعه. بنابراین در صورتی که حکومت مرتکب تخلف عمدی شود و آن را تکرار نماید مردم موظف به فریضه امر به معروف و نهی از منکر هستند به نحوی که بتوانند حکومت را از این تخلفات عمدی باز دارند. برخی از نویسندگان در این رابطه معتقدند که مسلماً یکی از راهکارهایی که در این راستا قابل استفاده است، بهره‌گیری از نافرمانی مدنی برای گوشزد نمودن خطاها است. به عبارت دیگر، هرگاه معروف مهمی توسط متصدیان امور مملکتی ترک شود یا بالعکس منکر بزرگی صورت پذیرد در این هنگام شهروندان جامعه اسلامی موظف هستند با ترمرد در آن زمینه با آن مقابله نمایند. البته ذکر این نکته نیز ضروری به نظر می‌رسد که نافرمانی مدنی در صورتی جایز است که منجر به ضرر بیشتری به جامعه اسلامی نشود نظیر ایجاد تفرقه میان مردم و تضعیف دولت اسلامی در برابر دولت‌های غیر اسلامی، البته همانگونه که گفته شد استدلال ایشان در این زمینه بنابر دلایلی که خواهد آمد محکوم به رد است.

از دیگر مواردی که در این موضوع حائز اهمیت می‌باشد آن است که اجرای امر به معروف و نهی از منکر دارای ملزوماتی می‌باشد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها رعایت مراتب امر به معروف و نهی از منکر از درجه پایین به بالا است، یعنی چنان چه تا زمانی که امکان استفاده از شیوه‌های مسالمت‌جویانه و آسان وجود دارد، نمی‌توان از مراتب سخت‌تر و بالاتر استفاده نمود (ارسطا، اکبری، ۱۳۹۶: ۴۵-۴۴). مطالب مذکور صحیح است به استثنای این جملات که یکی از راهکارهایی که در این راستا قابل استفاده است، بهره‌گیری از نافرمانی مدنی برای گوشزد نمودن خطاها است. زیرا که واضح و مبرهن است که امر به معروف و نهی از منکر در مقابل دولت صرفاً به نافرمانی مدنی اختصاص ندارد. بنابراین شهروندان به جهت امر به معروف و نهی از منکر مجاز به ترمرد از قانون نیستند. نویسنده مذکور در بخش دیگری از مقاله خود چنین استدلال نموده است که: «هر گاه معروفهای بزرگی توسط حکومت ترک شود یا منکرهای بزرگی ارتکاب یابد در آن هنگام مردم چاره‌ای نخواهند داشت که با سرپیچی از برخی قوانین در برابر چنین وضعیتی بایستند. بنابراین مجوز ارتکاب نافرمانی مدنی اضطراری است که برای مردم پیش آمده و راهی برای مقابله با تخلفات حکومت به جز نافرمانی مدنی نمانده است» (ارسطا، اکبری، ۱۳۹۶: ۴۵). این در حالی است که لزوماً امر به معروف و نهی از منکر نیاز به سرپیچی از قوانین ندارد بلکه امر به معروف و نهی از منکر بیانی است که از مجاری پیش بینی شده در شرع و قانون می‌بایست به گوش مسئولین و حاکمان برسد. شاید بتوان نافرمانی مدنی را مراتب سخت‌تر امر به معروف و نهی از منکر تلقی نمود اما به طور مطلق نمی‌توان این واجب را مصداق نافرمانی مدنی به حساب آورد. در صورتی می‌توان به نافرمانی مدنی حکم نمود که در مرحله امر به معروف و نهی از منکر زبانی، افراد جامعه به نتیجه‌ای نرسیده باشند.

9th International Conference on Legal and Judicial Studies



۴.۳. اطاعت از حاکم اسلامی در چهارچوب فرمان الهی

از جمله ادله دیگر در راستای صحت اعتراض نسبت به حکومت، روایاتی است که فرمانبرداری از حاکم را مشروط به این^۶ که از فرمان^۷ های خدا اطاعت کند و به حق امر^۸ نماید، می^۹ باشد. از امام علی علیه السلام در این زمینه منقول است: «هرگز اطاعت از مخلوق در معصیت خالق جایز نیست...» (نهج البلاغه؛ ۴۳۸؛ حر عاملی ۱۴۰۹، ج ۱۶: ۱۵۴). و همچنین بیان فرموده اند که «... اطاعت تنها در معروف جایز است» (محدث نوری ۱۴۰۸، ج ۱۳: ۱۴۲؛ تمیمی ۱۳۸۵، ج ۱: ۳۵۰)؛ امام علی (ع) نیز در این زمینه خطاب به مردم فرمودند: «ای گروه مردمان، من عبدالله بن عباس را جانشین خود بر شما قرار دادم، سخن او را بشنوید و فرمان او را تا هنگامیکه از فرمانهای خدا اطاعت می کند، اطاعت کنید». همچنین، ایشان زمانی که مالک اشتر را به عنوان حاکم مصر منصوب نمودند در نامه ای مردم را به اطاعت از مالک فراخواندند مشروط بر این امر که اطاعت از او منطبق بر حق باشد (نهج البلاغه: ۳۵۲). طبق این ادله برخی چنین بیان داشته اند: در صورتی که اوامر و قوانین حاکم در مسیر احکام الهی نباشد و یا مخالف آن باشد می^{۱۰} توان از عمل به آن سر باز زد که این اقدام به نحوی همان نافرمانی مدنی محسوب می^{۱۱} شود. در حالی که باید در نظر داشت بنا به حکم عقل مخالفت با حاکمیت درجاتی دارد که اولین درجه آن مخالفت زبانی است نه نافرمانی و قانون شکنی.

۵. نافرمانی مدنی در حقوق ایران

در حقوق موضوعه جمهوری اسلامی ایران اعم از قانون اساسی و سایر قوانین، به طور صریح قانونی تحت عنوان نافرمانی مدنی وضع نشده است چراکه اصولاً قانون نمی تواند نقض خود را پیش بینی کند. برخی بر این اعتقادند که در این زمینه قوانینی وجود دارد که به طور ضمنی مرتبط با نافرمانی مدنی است (ارسطا، اکبری، ۱۳۹۶: ۵۶) که در ادامه بحث و بررسی آن ها آمده است.

بنابر اصل دوم و سوم قانون اساسی، جمهوری اسلامی ایران، نظامی است بر پایه ایمان به خدا و تسلیم در برابر امر او که ملزم به تامین حفظ کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خداوند است که این حفظ کرامت از راه نفی هرگونه ستمگری، ستمکشی، سلطه گری، سلطه پذیری و تأمین آزادی های سیاسی و اجتماعی در حد قانون و برپایی قسط و عدل امکان پذیر است. بنابر دو اصل مذکور نظام جمهوری اسلامی ایران موظف است عدالت، کرامت و ارزش والای انسانی را حفظ نماید و از هرگونه ستم جلوگیری نماید؛ چنان^{۱۲} چه در این زمینه صحیح عمل ننماید بنا به حکم عقل جایگاه اعتراض و مخالفت با اقدامات و قوانینی که مخالف با مفاد این دو اصل هستند برای شهروندان محفوظ خواهد بود. قسمت^{۱۳} های مورد نظر از اصول مذکور به قرار ذیل است:

مطابق با قسمت ج بند ۶ اصل دوم: «جمهوری اسلامی، نظامی است بر پایه ایمان به ... کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا که از راه: الف - اجتهاد مستمر فقهای جامع الشرایط براساس کتاب و سنت معصومین سلام الله علیهم اجمعین. ب - استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آنها. ج - نفی هرگونه ستمگری و ستمکشی و سلطه گری و سلطه پذیری، قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی را تأمین می کند».

طبق بند ۷ اصل سوم: «دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای تأمین آزادی های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون به کار برد».

علاوه بر حکم عقل که بیان شد بنا بر اصل هشتم قانون اساسی برای ابراز مخالفت و اعتراض چنین پیش^{۱۴} بینی شده است: «در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می کند». بنابراین، مردم وظیفه دارند چنانچه دولت مرتکب خطایی شد این نکته را در چارچوب قانون به دولت گوشزد نمایند (ارسطا، اکبری، ۱۳۹۶: ۵۰-۵۱) طبق این اصل امر به معروف و نهی از منکر از سوی سیاست گذاران به عنوان یکی از سیاست های نظام حقوقی

9th International Conference on Legal and Judicial Studies



جمهوری اسلامی ایران معرفی شده است. به عبارت دیگر بر اساس این اصل، امر به معروف و نهی از منکر در حدود قانون برای مردم مقرر شده است. اما باید در نظر داشت که امر به معروف و نهی از منکر لزوماً به معنای نافرمانی مدنی نیست بلکه شاید بتوان این مطلب را ادعا نمود که با تصویب این اصل، در صورتی که امر به معروف و نهی از منکر به صورت صحیحی اتفاق بیفتد و حکومت نیز بازخورد صحیحی نسبت به آن داشته باشد دیگر نوبت به نافرمانی مدنی نخواهد رسید؛ به این معنا که با این اصل در جامعه ایرانی جایگاه نافرمانی مدنی بسیار ضیق می‌شود بنابراین از این اصل به طور مطلق و بدون استدلال نمی‌توان به عنوان ادله ای در جهت مشروعیت نافرمانی مدنی سخن گفت.

مطابق با اصل هشتم باید برای امر به معروف و نهی از منکر طبق قانون برخورد کرد، قانونی که به منظور امر به معروف و نهی از منکر نسبت به مسئولین نظام جمهوری اسلامی ایران وضع شده، ماده ۸ قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر مصوب ۱۳۹۴/۰۱/۲۳ است که مقرر می‌دارد: «مردم از حق دعوت به خیر، نصیحت، ارشاد در مورد عملکرد دولت برخوردارند و در چارچوب شرع و قوانین می‌توانند نسبت به مقامات، مسؤولان، مدیران و کارکنان تمامی اجزای حاکمیت و قوای سه گانه اعم از وزارتخانه ها، سازمان ها، مؤسسات، شرکت های دولتی، مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی، نهادهای انقلاب اسلامی، نیروهای مسلح و کلیه دستگاه هایی که شمول قوانین و مقررات عمومی نسبت به آنها مستلزم ذکر یا تصریح نام است، امر به معروف و نهی از منکر کنند».

در این قانون فقط به بحث حق داشتن پرداخته شده است این در حالی است که بهتر بود قانونگذار در این زمینه حدود، کیفیت و نحوه ای انجام امر به معروف و نهی از منکر را بیان نموده و به کلیات اکتفا ننماید؛ چرا که ماده ۸ قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر، همان اصل هشتم قانون اساسی است که به بیان دیگر مطرح شده است در حالی که بنابر ذیل اصل هشتم که مقرر داشته «شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند» لازم بود شرایط و حدود و کیفیت در قانون عادی مطرح گردد.

علاوه بر امری که در اصل هشتم مطرح شده است این مسأله که ممکن است دولت امر به معروف و نهی از منکر گسترده مردم را برهم زدن نظم عمومی تلقی نماید، تعیین شرایط و حدود امر به معروف و نهی از منکر را لازم می‌نماید.

لازم به ذکر است که بسیاری از نویسندگان، امر به معروف و نهی از منکر را از مصادیق نافرمانی مدنی مطرح می‌کنند اما واقع امر این است که بنابر آموزه های دینی و حتی اصول قانون اساسی و قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر، امر به معروف و نهی از منکر نه تنها نافرمانی محسوب نمی‌شود بلکه اقدام بر اساس قانون به شمار می‌آید.

به این ترتیب می‌توان چنین ادعا نمود که در سیاست جنایی اسلام امر بر این مطلب استوار است که مخالفت با حکومت چنانچه به حق باشد باید در مسیر قانون اتفاق بیفتد و نیازی به قانون شکنی نیست. نافرمانی مدنی مربوط به حکومت هایی است که این حق را برای مردم قائل نشده اند، در نتیجه مردم برای دستیابی به حقوق مشروع خود ناگزیر از نافرمانی مدنی هستند. در قوانین جمهوری اسلامی ایران حتی تشکیل اجتماعات و راهپیمایی ها نیز برای افراد جامعه با رعایت برخی شرایط پیش بینی شده است. اجتماعات و راهپیمایی ها در صورتی ذیل نافرمانی مدنی قرار خواهند گرفت که بدون دریافت مجوز از وزارت کشور تشکیل شوند.

بنابر اصل نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران حفظ آزادی، استقلال و وحدت، وظیفه دولت و آحاد ملت ایران است و هیچ فرد، گروه یا مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی های مشروع را، هر چند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند. این اصل مقرر می‌دارد: «در جمهوری اسلامی ایران آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک ناپذیرند و حفظ آنها وظیفه دولت و آحاد ملت است. هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشه ای وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی های مشروع را، هر چند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند». طبق این اصل نیز به حکم عقل حق اعتراض و اعلام مخالفت با قوانین و مقرراتی که آزادی های مشروع مردم را سلب می‌کند

9th International Conference on Legal and Judicial Studies



برای افراد جامعه محفوظ است. یکی از راه‌هایی که مردم می‌توانند از آن طریق اعتراض خود را اعلام کنند اجتماع و راهپیمایی است.

یکی از مصادیق نافرمانی مدنی به روش سنتی نیز برگزاری اجتماع و تظاهرات است در این شیوه معترضین برای نشان دادن انتظارات و اعتراض خود به دیگران دست به تجمع و راهپیمایی می‌زنند. این حق، در اصل بیست و هفتم قانون اساسی گنجانده شده است. چنان که بنابر این اصل، تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها آزاد است مشروط بر این که بدون حمل سلاح بوده و محل مبانی اسلام نباشد. این اصل مقرر می‌دارد: «تشکیل اجتماعات و راه پیمایی ها، بدون حمل سلاح، به شرط آن که محل به مبانی اسلام نباشد آزاد است». البته لازم به ذکر است که بنا بر تبصره ۲ ماده ۶ قانون فعالیت احزاب، جمعیت ها و انجمن های سیاسی و صنفی و انجمنهای اسلامی یا اقلیتهای دینی شناخته شده مصوب ۱۳۶۰/۰۶/۰۷ برای تشکیل هر گونه اجتماع و راهپیمایی نیاز به مجوز از وزارت کشور وجود دارد. این قانون مقرر می‌دارد: «فعالیت گروه‌ها آزاد است مشروط بر این که مرتکب تخلفات مندرج در بندهای ماده (۱۶) این قانون نگردند.

تبصره ۱ - کلیه گروهها موظفند مرامنامه، اساسنامه، هویت هیأت رهبری خود و تغییرات بعدی آنها را به اطلاع وزارت کشور برسانند.

تبصره ۲ - برگزاری راهپیمایی‌ها با اطلاع وزارت کشور بدون حمل سلاح در صورتی که به تشخیص کمیسیون ماده ۱۰ محل به مبانی اسلام نباشد و نیز تشکیل اجتماعات در میادین و پارکهای عمومی با کسب مجوز از وزارت کشور آزاد است». بعلاوه طبق ماده ۱۶ قانون فوق الذکر: «گروه‌های موضوع این قانون باید در نشریات، اجتماعات و فعالیتهای دیگر خود از ارتکاب موارد زیر خودداری کنند: الف - ارتکاب افعالی که به نقض استقلال کشور منجر شود. ب - هر نوع ارتباط، مبادله اطلاعات، تبانی و مواضعه با سفارتخانه‌ها، نمایندگی‌ها، ارگانهای دولتی و احزاب کشورهای خارجی در هر سطح و به هر صورت که به آزادی، استقلال، وحدت ملی و مصالح جمهوری اسلامی ایران مضر باشد. ج - دریافت هر گونه کمک مالی و تدارکاتی از بیگانگان. د - نقض آزادیهای مشروع دیگران. هـ - ایراد تهمت، افتراء و شایعه پراکنی. و - نقض وحدت ملی و ارتکاب اعمالی چون طرح‌ریزی برای تجزیه کشور. ز - تلاش برای ایجاد و تشدید اختلاف میان صفوف ملت با استفاده از زمینه‌های متنوع فرهنگی و مذهبی و نژادی موجود در جامعه ایران. ح - نقض موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی. ط - تبلیغات ضد اسلامی و پخش کتب و نشریات مضره. ی - اختفاء و نگهداری و حمل اسلحه و مهمات غیر مجاز».

در ماده ۴ آیین نامه چگونگی تامین امنیت اجتماعات و راهپیمایی های قانونی مصوب ۱۳۸۱/۰۶/۳۱ نیز در مورد مناسبت‌های قابل پیش‌بینی برای تقاضای مجوز مهلت ۷ روزه تعیین شده است و اجتماعات دانشگاه‌ها را از این قانون مستثنا نموده و به قوانین دانشگاهی ارجاع نموده است. طبق این ماده: «برگزارکنندگان از طریق فرمانداری محل حداقل یک هفته قبل از برگزاری مراسم تقاضای مجوز می‌نمایند.

تبصره ۱- رعایت مهلت مقرر در مورد مناسبت‌های غیر قابل پیش‌بینی ضروری نیست و تشخیص آن با وزارت کشور است. تبصره ۲ - اجتماعات و گردهمایی‌های داخل دانشگاه‌ها از مقررات این آیین‌نامه مستثنا بوده و تابع ضوابط مربوط به خود خواهد بود».

به این ترتیب می‌توان گفت اگر برگزارکنندگان اجتماعات یا راهپیمایی‌ها و وزارت کشور و زیرمجموعه‌های آن، در زمینه اجرای قوانین فوق الذکر به درستی عمل نمایند شاید بتوان چنین ادعا نمود که دیگر نیازی به نافرمانی مدنی در جمهوری اسلامی ایران وجود نخواهد داشت.

اما به نظر می‌رسد در برخی از بندهای ماده ۶ آیین نامه چگونگی تامین امنیت اجتماعات و راهپیمایی های قانونی کمی سختگیری صورت گرفته است و ممکن است این ماده موجبات اعمال سلیقه برخی از کارگزاران دولت را فراهم آورده و جلوی برخی از اعتراضات مشروع را بگیرد و به این ترتیب موجبات بروز نافرمانی مدنی را فراهم آورد. این ماده مقرر می‌دارد: «فرمانداری‌ها در اجرای ماده (۱۶) قانون و مواد (۳۱) و (۳۲) آیین‌نامه، همزمان با دریافت تقاضای مجوز نسبت به اخذ تعهد در

9th International Conference on Legal and Judicial Studies



موارد ذیل اقدام خواهند نمود: الف - عدم ارتکاب موارد مندرج در ماده (۱۶) قانون. ب - رعایت موارد مندرج در ماده (۳۱) آیین‌نامه. پ - کنترل شعارها، اعلامیه‌ها، تراکت‌ها و پلاکاردها. ت - اجرای مراسم در زمان و مکان قید شده در مجوز. ث - انجام سخنرانی و ارائه مطالب در چارچوب مجوز صادر شده. ج - پیشگیری و اجتناب از توهین و هتک حرمت شخصیت‌های حقیقی و حقوقی. چ - همکاری در اجرای توصیه‌های فرمانداران و فرماندهان انتظامی محل».

نکته آخر این^۱ که به نظر برخی نویسندگان بنابر مواد ۱ و ۲ قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۵/۰۲/۲۹ قانونگذار تعریف دقیقی از جرم سیاسی ارائه ننموده و با قرار دادن اهداف و شرایطی در این تعریف نظیر اصلاح کشور و اقدام علیه مدیریت سیاسی بدون قصد براندازی حکومت که از شرایط انجام نافرمانی مدنی محسوب می‌شود میان جرم سیاسی و نافرمانی مدنی تمایزی قائل نشده و تبیین لازم در این تعریف صورت نگرفته است (ارسطا، اکبری، ۱۳۹۶: ۵۴-۵۳).

اما باید گفت که طبق مواد ۱ و ۲ و ۳ قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۵/۰۲/۲۹ مفهوم جرم سیاسی تا حد زیادی روشن می‌گردد: ماده ۱- «هر یک از جرائم مصرح در ماده (۲) این قانون چنانچه با انگیزه اصلاح امور کشور علیه مدیریت و نهادهای سیاسی یا سیاست‌های داخلی یا خارجی کشور ارتکاب یابد، بدون آنکه مرتکب قصد ضربه زدن به اصل نظام را داشته باشد جرم سیاسی محسوب می‌شود».

ماده ۲- «جرائم زیر در صورت انطباق با شرایط مقرر در ماده (۱) این قانون جرم سیاسی محسوب می‌شوند:

الف - توهین یا افتراء به رؤسای سه قوه، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، معاونان رئیس جمهور، وزراء، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، نمایندگان مجلس خبرگان و اعضای شورای نگهبان به واسطه مسؤولیت آنان. ب - توهین به رئیس یا نماینده سیاسی کشور خارجی که در قلمرو جمهوری اسلامی ایران وارد شده است با رعایت مفاد ماده (۵۱۷) قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات. پ - جرائم مندرج در بندهای (د) و (ه) ماده (۱۶) قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده مصوب ۱۳۶۰/۶/۷. ت - جرائم مقرر در قوانین انتخابات خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی شهر و روستا به استثنای مجریان و ناظران انتخابات. ث - نشر اکاذیب».

ماده ۳- «مباشرت، مشارکت، معاونت و شروع به جرائم زیر جرم سیاسی محسوب نمی‌شود: الف - جرائم مستوجب حدود، قصاص و دیات؛ ب - سوءقصد به مقامات داخلی و خارجی؛ پ - آدم‌ربایی و گروگان‌گیری؛ ت - بمب‌گذاری و تهدید به آن، هواپیما ربایی و راهزنی دریایی؛ ث - سرقت و غارت اموال، ایجاد حریق و تخریب عمدی؛ ج - حمل و نگهداری غیرقانونی، قاچاق و خرید و فروش سلاح، مواد مخدر و روانگردان؛ چ - رشا و ارتشاء، اختلاس، تصرف غیرقانونی در وجوه دولتی، پولشویی، اختفای اموال ناشی از جرم مزبور؛ ح - جاسوسی و افشای اسرار خ - تحریک مردم به تجزیه طلبی، جنگ و کشتار و درگیری؛ د - اختلال در داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی به کار گرفته شده برای ارائه خدمات ضروری عمومی یا حاکمیتی؛ ذ - کلیه جرائم علیه عفت و اخلاق عمومی اعم از جرائم ارتكابی به وسیله سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حاملهای داده یا غیر آن».

بنا بر مواد مذکور، در ظاهر به نظر می‌رسد نافرمانی مدنی در قالب ماده ۲ به جرم سیاسی نزدیک می‌شود اما باید توجه داشت که نافرمانی مدنی در حوزه جزایی اتفاق نمی‌افتد. بنابراین چنانچه نافرمانی مدنی در غالب جرائم جزایی اتفاق بیفتد مرتکب با عنوان همان جرم به مجازات مقرر در قانون محکوم می‌شود حتی اگر برای اصلاح قانون ناعادلانه‌ای اقدام نموده باشد.

در آخر می‌توان گفت در صورتی که انتظارات معترضین به امر مشروع از طریق اجتماعات و راهپیمایی‌های قانونی به نتیجه نرسد، امکان اعلام اعتراضات از طریق شیوه‌های مدرن نیز وجود دارد. در غیر این صورت همچنان که توضیح آن گذشت و از نام و تعریف نافرمانی مدنی برمی‌آید، نوبت به نافرمانی مدنی فقط در حوزه قوانین حقوقی می‌رسد.

9th International Conference on Legal and Judicial Studies



به نظر می‌رسد بنا بر سیاست جنایی اسلام و به تبع آن حقوق ایران در موارد اظهار مخالفت با حکم یا قانون حاکم با حق و عدالت، اولین قدم امر به معروف و نهی از منکر است. چنانچه امر به معروف و نهی از منکر به شیوه‌های عادی منجر به نتیجه نشود، نوبت به اجتماعات و راهپیمایی‌ها در چارچوب قانون می‌رسد، که به نحوی مرتبه دیگری از امر به معروف و نهی از منکر محسوب می‌شود، اما همچنان عنوان نافرمانی بر آن قابل صدق نیست؛ چرا که در قوانین جمهوری اسلامی ایران تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها نیز برای افراد جامعه با رعایت برخی شرایط پیش‌بینی شده است. اجتماعات و راهپیمایی‌ها در صورتی ذیل نافرمانی مدنی قرار خواهند گرفت که بدون دریافت مجوز از وزارت کشور تشکیل شوند.

۶. وجوه تمایز نافرمانی مدنی با بغی، محاربه و افساد فی الارض

در نگاه اول ممکن است به نظر برسد سه اصطلاح فقهی حقوقی بغی، محاربه و افساد فی الارض با اصطلاح نافرمانی مدنی مشابهت‌هایی دارد اما به واقع چنین نیست. پرداختن به مفهوم نافرمانی مدنی از آنجایی حائز اهمیت است که عدم وضوح مفاهیم و به کارگیری هر یک از آنها بدون در نظر گرفتن تفاوت‌ها و عدم توجه به تمایز میان آنها می‌تواند موجبات وضع قوانین یا قضاوت ناعادلانه را فراهم آورد.

در بحث‌های فقهی، بغی در "کتاب جهاد" و محاربه در "کتاب حدود" مطرح شده است؛ چراکه بغی نوعی براندازی نظام سیاسی است که با شورش و جنگ همراه است و مستلزم برخورد جهادی با باغیان است. باغیان ممکن است با انجام یک کودتا رهبری بر حق را ساقط نمایند و حکومت را در دست بگیرند (ورعی، ۱۳۹۴: ۱۴۷ و ۱۴۸). در صورتی که محاربه جرمی است که در آن - به قصد جان و مال و ناموس مردم - به واسطه کشیدن سلاح، امنیت عمومی جامعه مختل می‌شود که بنا به اهمیت امنیت جامعه، مجازات حدی برای آن در نظر گرفته شده است. افساد فی الارض نیز به جرائمی اطلاق می‌گردد که به طور گسترده منجر به جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، یا جنایت علیه امنیت ملی و ... و همچنین اخلاص شدید در نظم عمومی جامعه می‌گردد و ممکن است در موضوعات مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ... اتفاق بیفتد.

در صورتی که نافرمانی مدنی مخالفت با یک "قانون" یا "تصمیم" یا "برخی از دولتمردان" با حفظ موجودیت و نظم حاکم بر جامعه است. در نافرمانی مدنی، اساس یک حکومت تهدید نمی‌شود بلکه صرفاً اصلاح یک سیاست، قانون، تصمیم نادرست، یا برکناری یک مسئول مورد نظر است. در نافرمانی مدنی رعب، وحشت و ترساندن مردم مدنظر مرتکبین نمی‌باشد و خللی به نظم و امنیت جامعه وارد نمی‌آید. تنها هدف و انگیزه نافرمانان تحت فشار قرار دادن دولت به منظور لغو قانون، سیاست یا تصمیمی است که به گمان آنها موجب بی‌عدالتی، تبعیض و فساد شده است. از این رو، مرتکبین جرائم امنیتی نظیر بغی، محاربه و افساد فی الارض را نافرمان مدنی محسوب نمودن و حکم بغی، محاربه و افساد فی الارض را بر آنان جاری نمودن اشتباه در صدور حکم است و منجر به تضییع حقوق هر یک از شهروندان یا دولت خواهد شد (ورعی، ۱۳۹۴: ۱۴۹-۱۴۸).

نتیجه گیری

- ۱- نافرمانی مدنی راهبردی اعتراضی است از سوی مردم برای بیان مخالفت با قانونی ناعادلانه به صورت مسالمت آمیز که هدف از آن دستیابی به عدالت بیشتر است و هرگز اهدافی چون براندازی و سقوط حکومت مدنظر نمی‌باشد.
- ۲- نافرمانی مدنی در فقه شیعه به صورت معنای اصطلاحی مذکور دیده نمی‌شود ولی در آموزه های دینی سازوکارهایی در نظر گرفته شده است که میتوان از آنها امکان مخالفت با تصمیمات اشتباه و ناعادلانه حکومت را استنباط نمود. توصیه‌های امیرالمؤمنین علیه السلام به لزوم نصیحت خیرخواهانه حاکم اسلامی و بیان آن به عنوان حق والی بر مردم در واقع بیان کننده آن است که اعتراض به بی عدالتی در جامعه اسلامی نه تنها جرم تلقی نمیشود بلکه تکلیفی است که بر عهده جامعه قرار گرفته است و تلاش مسالمت آمیز مردم برای دستیابی به سطوح عالتر عدالت حقی است برای نظام اسلامی که مردم موظف به ادای آن می‌باشند. اصل اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر که بر اساس آیات قرآن موجب به خیر و

9th International Conference on Legal and Judicial Studies



صلاح در آمدن امت‌ها می‌گردد ضمن آنکه دلیل بر جواز مخالفت با بی عدالتی است، با تمامی شروط و مراحل خود سازوکارهای شرعی تحقق این مهم را نیز مشخص می‌نماید.

۳- طبق اصل دوم و سوم قانون اساسی، نظام جمهوری اسلامی ایران موظف به حفظ کرامت انسانی امت از طریق نفی سلطه‌گری، احترام به آزادی‌های سیاسی و اجتماعی ملت و برپایی قسط و عدل می‌باشد و از سوی دیگر طبق اصل هشتم قانون اساسی دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر یک وظیفه همگانی است. بر این اساس هرگاه قانونی خلاف عدالت، کرامت و آزادی‌های مشروع باشد بر عهده همگان است که حکومت را دعوت به خیر نموده و با مخالفت قانونی نسبت به ملغی نمودن قانون مزبور اقدام نماید لذا اعتراض و مخالفت با حکومت در زمینه یک قانون یا سیاست به خودی خود هرگز جرم محسوب نمی‌شود. اما با توجه به سایر قوانینی که سازوکارهای این اعتراض‌ها را مشخص نموده اند مثل قوانین و آیین نامه های وزارت کشور در برگزاری تجمعات و راهپیمایی‌ها هرگاه مخالفت‌ها از چهارچوب‌های قانونی خارج گردد جرم محسوب می‌شوند و طبق قانون در قالب سایر جرائم جزایی و متناسب با عنوان همان جرم مجازات آن تعیین خواهد شد.

۴- برخی به دلیل ماهیت سیاسی و اعتراضی نافرمانی مدنی آن را همچون جرایم علیه امنیتِ بغی، محاربه و افساد فی الارض تلقی مینمایند، در حالیکه این جرایم هم به لحاظ ماهیت و هم به لحاظ هدف با یکدیگر متفاوتند. در جرایم این چنینی غالباً شورش و جنگ، اسلحه کشی و تعرض به جان و مال و ناموس مردم و در نهایت جنایت علیه امنیت ملی با هدف براندازی نظام سیاسی مدنظر است اما نافرمانی مدنی اعتراضی است مسالمت آمیز به منظور دستیابی به قانون عادلانه در چهارچوب نظام مشروع حاکم و اصول قانون اساسی. بنابراین تا زمانی که نافرمانی مدنی در چهارچوب قانون و بدون ضربه زدن به شئون امنیت ملی صورت گیرد هرگز عنوان جرم بر آن صدق نمی‌کند و در قالب جرایمی مثل بغی، محاربه و افساد قابل بررسی نمی‌باشد. اما به طور کلی باید در نظر داشت که با توجه به مطالب به دست آمده نافرمانی مدنی به معنای مصطلح خود در حقوق ایران جایگاهی ندارد بلکه ذیل عناوینی چون مخالفت و اعتراض قانونی قابل طرح است.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. قانون اساسی
۴. قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده مصوب ۱۳۶۰/۶/۷
۵. قانون جرم سیاسی مصوبه ۱۳۹۵/۲/۲۹
۶. قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر مصوب ۱۳۹۴/۰۱/۲۳
۷. آیین نامه چگونگی تأمین امنیت اجتماعات و راهپیمایی‌های قانونی مصوب ۱۳۸۱/۰۶/۳۱
۸. آقابخشی، علی، افشاری‌راد، مینو، ۱۳۸۳، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، چاپار
۹. ارسطو، محمد جواد، اکبری، مینا، ۱۳۹۶، «تاملی بر جایگاه نافرمانی مدنی در اسناد بین المللی»، فقه سیاسی شیعه و نظام حقوقی ایران، ۱۲
۱۰. رالز، جان، ۱۳۸۷، نظریه عدالت، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم تحقیقات و فناوری، تهران
۱۱. بووآی، نورمن، سیمون، رابرت، ۱۳۷۹، «نافرمانی مدنی؛ تاملی در رابطه قانون و نظم»، مطالعات راهبردی، ۱۰
۱۲. تقی‌پور، علیرضا، متقی، فاطمه، ۱۳۹۷، «واکنش کیفری در برابر نافرمانی مدنی»، پژوهش حقوق کیفری، ۲۴
۱۳. تیمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، ۱۴۱۰، غرر الحکم و درر الکلم، قم، دار الکتب الاسلامی

9th International Conference on Legal and Judicial Studies



۱۴. ثرو، هنری دیوید، ۱۳۷۸، نافرمانی مدنی، تهران، قطره
۱۵. جهاننگلو، رامین، ۱۳۷۸، اندیشه عدم خشونت، تهران، نی
۱۶. دورکین، رونالد، ۱۳۸۷، نافرمانی مدنی، حق و مصلحت، تهران، طرح نو
۱۷. علی بابایی، غلامرضا، ۱۳۶۹، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، ویس
۱۸. قاسمی، محمد، ۱۳۸۹، نافرمانی مدنی در پرتو حقوق بین الملل بشر، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران
۱۹. کرزون، لسلای بزیل، ۱۳۸۷، فرهنگ حقوق، تهران، دانشیار
۲۰. محبی، بهرام، ۱۳۸۱، «جستاری درباره نافرمانی مدنی»، رفع ابهام از یک مفهوم، راه آزادی، ۹۲
۲۱. مک لین، ایان، ۱۳۸۱، فرهنگ علوم سیاسی آکسفورد، تهران، نشر تهران
۲۲. نظریور، مهدی، ۱۳۸۶، «نافرمانی مدنی»، حصون، ۱۳
۲۳. ورعی، سید جواد، ۱۳۹۴، «بررسی مفهومی «بغی»، «محاربه» و «نافرمانی مدنی»»، سیاست متعالیه، ۹
۲۴. هابرماس، یورگن، ۱۳۸۰، بحران مشروعیت، تهران، گام نو
۲۵. علی بابایی، غلامرضا، ۱۳۶۹، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، شرکت نشر و چاپ ویس، چاپ دوم
۲۶. ثرو، دیوید هنری، ۱۳۷۸، نافرمانی مدنی: دفاعیه حقوق فردی در برابر اقتدار حکومتی، ترجمه غلامعلی کش

www. adamekhoshoonat.com)

9th International Conference on Legal and Judicial Studies



Investigating the status of civil disobedience in the Iranian legal system

First Author Ateke ghasemzade

Ph.D., College of Theology & Islamic Studies, Mazandaran
University, Babolsar, Iran

Second Author elham sadeghi rad

Assistant Professor, Faculty Law, Payame Noor University,
Tehran, Iran

Abstract

Civil disobedience is a term that has been used in recent years in various countries to protest against unjust law in order to achieve a more desirable level of justice. Articles have also been written in this field to make it legal in Iran by Using jurisprudential principles and insisting on its necessity. In the present article, in a descriptive-analytical manner, we seek to determine the legal and religious status of civil disobedience & a broader concept That is, opposition to the government and its relation to political crimes and crimes against security. According to studies, opposition to the government in Imami jurisprudence has been considered in the form of the commandment and prohibition of evil. The Iranian legal system considers peaceful protest and opposition to be a legal right, both in politics and in law, so that there is no place for civil disobedience. Of course, it should be noted that legal and executive weaknesses and shortcomings have caused the lack of flow of these laws in society

Keywords opposition to government, civil disobedience, political crime, baqy, Iranian legasystem